



## جمعه 21 خرداد 28 جمادي الثاني 11 ژوئن

ابوعباس، ولید بن یزید بن عبدالملک بن مروان بن حکم اموی، که نام مادرش ام حجاج بنت محمد بن یوسف ثقفی بود، در سال 90، یا 92 و یا 87 قمری به دنیا آمد. او، از جانب پدرش یزید بن عبدالملک، ولی عهد مسلمین پس از خلافت عمویش هشام بن عبدالملک بود...

### قتل ولید بن یزید اموی - سال 126 هجری قمری

ابوعباس، ولید بن یزید بن عبدالملک بن مروان بن حکم اموی، که نام مادرش ام حجاج بنت محمد بن یوسف ثقفی بود، در سال 90، یا 92 و یا 87 قمری به دنیا آمد. او، از جانب پدرش یزید بن عبدالملک، ولی عهد مسلمین پس از خلافت عمویش هشام بن عبدالملک بود.

هنگامی که هشام بن عبدالملک پس از بیست سال خلافت، به هلاکت رسید، برادرزاده اش ولید بن یزید با حرص و ولع شگفتی به خلافت مسلمانان دست یازید و در آغاز حکومت خویش، هواداران هشام و عاملان و استانداران وی را بر کنار و هواداران خویش را که اکثراً همانند خود وی نالایق و فاسق بودند، سر کار آورد.

وی، خلیفه ای فاسق و متظاهر به گناه و محرمات بود و در شرب خمر، زیاده روی می کرد و از نظر فکری نیز شایستگی نام مسلمانی را نداشت، چه رسد به این که خلیفه مسلمانان باشد. چون چیزهایی می گفت و اشعاری می خواند که ملحدان و زندیقان، جرئت و جسارت خواندن آن ها را نداشتند. حتی گفته شد که وی می خواست در فراز کعبه (خانه خدا) خانه ای بسازد و در آن، مجلس لهو و لعب برقرار کند.

رفتار غیر انسانی و کردار غیر اخلاقی وی، به سرعت در میان مردم پخش و آنان را نسبت به وی متنفر کرد. وی، خالد بن عبدالله قسری و دو پسرش به نام های ابراهیم و محمد بن خالد را به خاطر تشویق آنان در خلع وی از ولایت عهده توسط هشام بن عبدالملک، دسگیر و شکنجه سختی نمود و سپس آنان را به وضع فجیعی به قتل آورد و دست اطرافیان و عاملان خویش را در آزار و اذیت مردم و قتل و غارت آنان باز گذاشت.

سرانجام عموم مردم از وی روگردان شده و در صدد پایان دادن به خلافتش برآمدند.

سردمداران بنی امیه که به نفرت عمومی مردم نسبت به این خاندان بیمناک شده بودند، بی درنگ پسرعمویش یزید بن ولید بن عبدالملک را کاندیدای خلافت نموده و پنهانی با وی پیمان بستند و با راهنمایی های وی، اعتراضات خویش را ابراز و سپس اقدام به شورش و قیام نمودند. هواداران یزید بن ولید، روز به روز زیادتر و قوی تر می شدند و درگیری های خویش را با هواداران ولید بن یزید، شدیدتر می کردند.

تا این که دو روز و به قولی پنج روز مانده به پایان ماه جمادی الآخر سپاهیان وی را شکست داده و خود ولید را در هنگام نبرد به قتل آوردند.

پس از کشتن وی، بدنش را با ضربات نیزه و شمشیر پاره پاره و سر او را از بدن جدا و در دمشق و بسیاری از شهرها گرداندند و آن گاه، آن را در دیواره مسجد اموی شام نصب نمودند. به روایتی، آن سر تا پایان حکومت بنی امیه در آن جا آویزان بود. یزید بن ولید، به محض کشته شدن ولید بن یزید، به خلافت رسید و به ده نفر از کشندگان اصلی ولید، جایزه و پاداش های کلانی اعطا نمود.

مدت خلافت ولید بن یزید، یک سال و سه ماه بود و به هنگام قتل، 38 و یا 36 و یا 42 و یا 45 و به روایتی دیگر 46 ساله و دارای 14 پسر و چند دختر بود.

یزید بن ولید بن عبدالملک بن مروان اموی، پس از کشته شدن پسرعمویش ولید بن یزید بن عبدالملک به دست مردم، در 28 جمادی الآخر سال 126 قمری، در دمشق به خلافت رسید. وی در زمان خلافت ولید، در امان (عمان) پایتخت فعلی اردن، زندانی بود و پس از رهایی از زندان، نسبت به رفتار و کردار ولید بن یزید، اظهار ناخرسندی می کرد و در نزد مردم، وی را ناسزا می گفت و تکفیرش می نمود.

به هر روی، پس از استقرار در خلافت اسلامی، جلوی بذل و بخشش های ناروا را گرفت و حقوق و مواجب بسیاری از وابستگان به دستگاه خلافت را کاهش داد. بدین جهت به "ناقص" معروف گردید.

وی همانند عمر بن عبدالعزیز تلاش فراوانی به عمل آورد تا نارسایی ها و کاستی های بنی امیه را جبران و خدمات ارزنده ای به مردم داشته باشد، ولیکن اجل، مهلتش نداد و پس از چند ماه خلافت، در اواخر همین سال وفات یافت.

گویند مادرش ایرانی نژاد و موسوم به شاه فرند و یا شاه آفرید دختر فیروز بن یزدگرد ساسانی بود. به همین جهت یزید افتخار می کرد که به سه امپراتور بزرگ عالم، یعنی خلافت امویان، سلطنت ساسانیان و قیصر رومیان انتساب دارد. (1)

1- البداية و النهاية (ابن کثیر)، ج 1، ص 13 و ص 18؛ تاریخ الطبري، ج 5، ص 555

### آغاز خلافت یزید بن ولید - سال 126 هجری قمری

یزید بن ولید بن عبدالملک بن مروان اموی، پس از کشته شدن پسرعمویش ولید بن یزید بن عبدالملک به دست مردم، در 28 جمادی الآخر سال 126 قمری، در دمشق به خلافت رسید. وی در زمان خلافت ولید، در امان (عمان) پایتخت فعلی اردن، زندانی بود و پس از رهایی از زندان، نسبت به رفتار و کردار ولید بن یزید، اظهار ناخرسندی می کرد و در نزد مردم، وی را ناسزا می گفت و تکفیرش می نمود.

نمود.

به هر روی، پس از استقرار در خلافت اسلامی، جلوی بذل و بخشش های ناروا را گرفت و حقوق و مواجب بسیاری از وابستگان به دستگاه خلافت را کاهش داد. بدین جهت به "ناقص" معروف گردید.

وی همانند عمر بن عبدالعزیز تلاش فراوانی به عمل آورد تا نارسایی ها و کاستی های بنی امیه را جبران و خدمات ارزنده ای به مردم داشته باشد، ولیکن اجل، مهلتش نداد و پس از چند ماه خلافت، در اواخر همین سال وفات یافت.

گویند مادرش ایرانی نژاد و موسوم به شاه فرند و یا شاه آفرید دختر فیروز بن یزدگرد ساسانی بود. به همین جهت یزید افتخار می کرد که به سه امپراتور بزرگ عالم، یعنی خلافت امویان، سلطنت ساسانیان و قیصر رومیان انتساب دارد.

درگذشت دکتر محمدخزائلی بنیانگذار انجمن حمایت از نابینایان در سال 1353 هجری شمسی

دکتر محمد خزائلی بنیانگذار انجمن هدایت و حمایت از نابینایان کشور بر اثر سکته مغزی در سال 1353 هجری شمسی دارفانی را وداع گفت. او در سال 1292 شمسی در اراک متولد شد و در طفولیت بعلت بیماری آبله بینایی خود را از دست داد و به سبب نبودن مدارس ویژه نابینایان ناگزیر مکتب نرفت. چندی بعد پس از افتتاح مدرسه سهاقیه آنجا مشغول تحصیل شد و به مدد حافظه نیرومند خویش پیشرفت سریعی داشت. نخستین مشکل وی در دوران تحصیلات متوسطه آشکار شد زیرا قادر به نوشتن نبود اما با این وجود به تحصیل ادامه داد و سرانجام موفق به اخذ دکترای حقوق از دانشگاه تهران گردید. گفتنی است دکتر خزائلی به زبانهای عربی، فرانسه و انگلیسی کاملاً مسلط بود، و افزون بر تألیف آثار بسیار کتب ترجمه شده متعددی نیز از ایشان باقی است. فلسفه اسلام، ترجمه معالم القربه فی احکام الحسبه، تحقیق در اعلام قرآن، شرح بوستان و گلستان و نهج البلاغه از آثار دکتر خزائلی به منظور رفاه نابینایان در سطح بین المللی نیز فعالیت چشمگیری داشت و از اعضای کمیته اجرایی خاور میانه در شورای ملی رفاه نابینایان و اتحادیه بین المللی نابینایان بود.

آغاز عملیات فرمانده کل قوا، خمینی روح خدا در سال 1360 هجری شمسی

عملیات فرمانده کل قوا، خمینی روح خدا در منطقه شرق کارون جنوب دارخوین در سال 1360 هجری شمسی آغاز شد. در این عملیات که با همکاری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ارتش جمهوری اسلامی انجام شد بیش از 3 کیلومتر از مواضع دشمن در منطقه به تصرف سپاه اسلام در آمد و خسارات قابل توجهی نیز بر دشمن بعثی وارد شد.

مشخص شدن چگونگی رنگهای قوس قزح در سال 1855 میلادی

نورخورشید در سال 1855 میلادی با بکارگیری روشهای علمی تجزیه شد و چگونگی رنگهای قوس قزح مشخص گردید. این عمل برای نخستین بار در تاریخ تحقیقات نوین فیزیکی انجام شد. تشکیل قوس قزح و ترتیب رنگهای آن به علت تفرق نورخورشید است که توسط قطرات آب موجود در ابرها ایجاد می شود نظریه ارسطو درباره این پدیده طبیعی کهن ترین نظریه است که بعدها مسلمانان نیز با آن آشنایی یافتند. ابوعلی سینا؛ ابن هیثم؛ و قطب الدین شیرازی با افزودن مطالبی بر نظریه ارسطو آن را به نحو قابل قبولی توجیه کرده اند و به عبارتی نظریه مزبور را تکمیل نمودند.

خروج جمع کثیری از اروپائیان از بندر اسکندریه در سال 1882 میلادی

به دنبال حرکت مردم استقلال طلب مصر، جمع کثیری از اروپائیان در سال 1882 میلادی از بندر اسکندریه اخراج شدند. حرکت مردم مصر، از هنگامی آغاز گردید که توفیق پاشا خدیو مصر نظارت مشترک فرانسه و انگلیس را بر امور مالی مصر پذیرفت. به دنبال آن و به واسطه فشار مردم، دولتی مخالف منافق دول استعمارگر اروپایی در مصر روی کار آمد اما با اعمال نظر دولتهای فرانسه و انگلیس دولت تازه تأسیس گردید. در سال 1822 میلادی انگلستان که از تشدید شورشهای مردمی مصر منافع خود را در خطر جدی می دید، بندر اسکندریه را شدیداً بمباران کرد و با پیاده کردن قوای نظامی عملاً مصر را تحت اشغال خود درآورد. سرانجام چند سال بعد یعنی در سال 1922 میلادی در انگلستان استقلال مصر را به رسمیت شناخت.

به شرح مختصری در مورد کشور مصر توجه فرماید

در سال 1878م خدیو مصر تحت فشار استعمارگران، کابینه ای را روی کار آورد که اکثر اعضای آن اتباع اروپائی بودند و به کابینه اروپائی معروف بود. از سال 1882 انگلستان، مصر را مستعمره خود نمود و در سال 1922م بر اثر فشار مردم مسلمان مسلمانان مصر، قرارداد شناسایی استقلال مصر امضا شد و در سال 1936م (1315 شمسی) که ملک فواد اول به قدرت رسید، استقلال رسمی مصر حاصل شد با این وجود انگلستان همچنان در مصر نفوذ داشت. در سال 1952م گروهی از افسران جوان به کودتایی علیه علیه ملک فاروق دست زده و عملاً رژیم سلطنتی را به نظام جمهور تبدیل کردند که پس از آن ابتدا سرلشکر محمد نجیب و سپس جمال عبدالناصر رهبری مصر را به عهده داشتند. ناصر گرچه از اسلام یاد می کرد و قوانین این آئین را رعایت می نمود اما تکیه گاه اساسی اش ناسیونالیسم عرب و سوسیالیسم بود. در زمان ناصر، مصر به رهبری جهان عرب را به دست گرفت. با ملی شدن کانال سوئز از سوی جمال عبدالناصر، قوای انگلیسی، فرانسه و اسرائیلی به مصر حمله نمودند. از وقایع ناگوار زمان ناصر، جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل است که در سال 1967م صورت گرفت و به شکست اعراب منجر شد. پس از مرگ ناصر، انور سادات به ریاست جمهوری رسید که در آغاز اعلام کرد سیاست ناصر را دنبال خواهد نمود ولی به غرب روی آورد. نزدیکی سادات به غرب و امریکا به حدی رسید که امریکا در سال 1973م کوشید صلحی یک جانبه بین مصر و اسرائیل برقرار کند و در سال 1977م سادات به فلسطین اشغالی رفته و با رهبران

غاصب و صهیونیستی به مذاکره پردازد و در سال بعد با وساطت امریکا بین مصر و اسرائیل در کمپ دیوید امریکا صلحی منعقد شد